

عنوان مقاله:

تحلیل ساختار روایت در محبوب القلوب (بر مبنای الگوی روایی گرماس)

محل انتشار:

نخستین همایش ملی فرهنگ و هنر اسلامی (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 9

نویسندگان:

تاج الدین خندان - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی علوم تحقیقات تهران ایران

لیلا خندان - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی علوم تحقیقات تهران ایران

خلاصه مقاله:

ساختار روایت یکی مباحث نقد ادبی جدید به شمار می آید. گرماس تلاش کرده است تا اجزای تشکیل دهنده ساختار روایت ولادیمیر پراپ را به شش عنصر روایی تقلیل دهد. محبوب القلوب به عنوان یکی از داستان های عاشقانه ادبیات فارسی روایت زندگی شمس و قهقهه است که در قالب حکایت، اندیشه های عاشقانه و اجتماعی خود را به بیانی زیبا ارائه می کند. در این پژوهش سعی می شود که حکایت های محبوب القلوب را بر اساس الگوی ساختارگرای گرماس بررسی و تحلیل شود. با تحلیل ساختارهای روایی محبوب القلوب می توان به هنر داستان پردازی و تفوق هنری میرزا برخوردار فراهی رهنمون شد. در این پژوهش، حکایت عاشقانه محبوب القلوب با سه مولفه، پیرنگ، ساختار کنشگران و تحول شخصیت تحلیل می شوند. پیرنگ داستان محبوب القلوب دارای سه بخش یا سه پاره ی ابتدایی، میانی و انتهایی هستند که از الگوی ثابت پیروی می کنند. نقش ها دارای هویتی اجتماعی یا یکی از حالت های فرهنگی یا درونی فاعل هستند. کنشگر فرستنده و گیرنده، به طور معمول "کنشگر فاعل" است. فاعل در تقابل با "فرهنگ و اجتماع" قرار می گیرد یا چند مشارک در قالب یک کنشگر ارائه می شود. فاعل در جستجوی شیء ارزشی (تقرب برای اهداف اجتماعی و فرهنگی) است و سعی دارد که به مطلوب خود دست یابد، اما هنگامی که هدف، شیطانی و بر اساس امیال نفسانی باشد نیروی الهی، فاعل را از رسیدن به هدف بازمی دارد مانند حکایت تاجر و قاضی.

کلمات کلیدی:

ساختارگرای، روایت، محبوب القلوب، گرماس

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1679549>

